

## عشق به اهل بیت(ع) در نعمات قاضی نذراالاسلام نویسنده و شاعر بنگالی

دکتر شاهرخ محمد بیگی<sup>۱</sup>

مهدی حسن<sup>۲</sup>

چکیده

قاضی نذر الاسلام شاعر ملی بنگلادش است. آزادی بشریت، وحدت ملت، طرفداری از مستضعفان، انصاف و عدالت موضوعات اصلی شعر و نوشته هایش است. وی شاعر حماسه و شاعری عاشق پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) است که این علاقه در اکثر آثارش به چشم می‌خورد. او سخت متأثر از آثار حافظ شیرازی، عمر خیام و سعدی بود. تعداد زیادی از الفاظ و واژگان فارسی در آثارش مشاهده می‌شود که آنها را غنی ساخته است. در آثار وی غم و اندوه و زحمت و پریشانی مردمان مظلوم جا گرفته است. او هزاران سروده و شعر و چند داستان کوتاه و رمان و نمایشنامه نوشت که دارای مضامین عشق و محبت می‌باشد. او شاعری مردمی است که عقیده داشت که حق گرفتنی است، نه دادنی. قاضی نذر الاسلام بعد از رایبندرانات تاگور در زمینه ادبیات، بزرگ‌ترین شخص و نابغه در ادبیات بنگلا می‌باشد. واژگان کلیدی: اهل بیت(ع)، قاضی نذراالاسلام، زبان فارسی، شاعر، نویسنده، بنگلادش.

۱. دانشیارگروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز shbeygi@rose.shirazu.ac.ir

۲. دانشجوی پیش دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا

## مقدمه

نذر الاسلام شاعر ملی بنگلادش است. (Nurul Huda, 2001: p5) لقب وی شاعر «شورشگر» است. شورش وی علیه ظلم و ستم حکومت بریتانیای هند و علیه حکمرانی ناحق آنها بود. او خود انسانی آزادیخواه بود که همین امر بارها منجر به دستگیری و زندانی شدنش شد. شورش وی علیه توطئه انگلیس به واسطه تفرقه اندازی میان هندوها و مسلمانان این سرزمین (شبه قاره هند) بود. (Mizanur Rahman, 1983: p5) آزادی بشریت، وحدت ملت، طرفداری از مستضعفان، انصاف و عدالت موضوعات اصلی شعر و نوشته‌هایش به شمار می‌روند. وی شاعر حماسه بوده مضامینی چون دلیری و جوانمردی و انقلاب در آثارش هویدا است. او عاشق پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) است که این علاقه در اکثر سروده‌هایش به چشم می‌خورد. این شاعر سخت متأثر از اشعار حافظ شیرازی، عمر خیام و سعدی بود. او تمام رباعیات عمر خیام را به زبان بنگلا ترجمه کرد. علاوه بر آن بخشی از غزلیات حافظ و رباعیاتش را نیز ترجمه کرد. (شهاب الدین احمد، ۲۰۰۱م، ج ۱: ص ۴۸۴) تعداد زیادی از الفاظ و واژگان فارسی در آثارش مشاهده می‌شود که آثارش را غنی ساخته است. (حکیم عارف، ۱۹۹۷م: ص ۱۱۹) وی هیچ وقت با حاکمان ظالم و مغرور صلح و آشتی نکرد بلکه همیشه مردم این منطقه را به سوی استقلال و آزادی و رهایی از حکومت انگلیس دعوت می‌کرد. او شاعری انسان دوست بود. (عبدالحی شیکدار، ۱۹۹۶م: ص ۱۹) او شاعر عشق است و در آثارش غم و اندوه و زحمت و پریشانی مردمان مظلوم دیده می‌شود (Mizanur Rahman, 1983: p117) هزاران سروده و چندین داستان کوتاه و رمان و نمایشنامه‌ای که خلق کرده است، همه دارای مضامین عشق و محبت می‌باشد. (اسد الحق، ۱۹۹۰ م: مقدمه) همچنین در آفرینشهای وی توصیف مناظر طبیعی نظیر بهار، گل، بلبل، کوه، دریا و درختهای سبز به زیبایی بیان شده است. (مصطفی نور الاسلام، ۱۹۹۱م: ص ۲۷) وی را می‌توان شاعری مردمی دانست که عقیده داشت حق گرفتنی است، نه دادنی. «شورش و اعتراض وی برای مساوات و برابری همگان بود و به همین دلیل در بردارنده مفهومی مثبت است، نه منفی.» (احمد شهاب الدین، ۱۹۹۹م: ص ۱۰۶) قاضی نذر الاسلام بعد از رایبندانات تاگور دریافت کننده جایزه نوبل در زمینه ادبیات، بزرگ‌ترین شخص و نابغه در ادبیات بنگلا می‌باشد. (Nurul Huda, 1997: p137) گفته می‌شود که نذر الاسلام چون مخالف سلطه استعمارگران انگلیس بود، قادر به دریافت جایزه نوبل نشد. وی نخستین شاعر معاصر ادبیات بنگلا بود که سبک و

شیوهٔ تاگور را بر هم زد و سبکی جدید و بی‌سابقه را در ادبیات بنگالا پدید آورد تا جایی که خود تا گور هم او را مورد ستایش قرار داد.

### ۱- زندگی نامهٔ نذر الاسلام

نامش نذر الاسلام و نام نسبی اش «قاضی» است. (رفیق الاسلام، ۱۹۸۲م: ص ۶) چون از منابع تاریخی معلوم می‌شود که یکی از نیاکان وی عهده‌دار سمت قضاوت از طرف سلطنت مغولان هند بود که منجر به ملقب شدن نوادگان وی به این لقب گردید. بنا بر اطلاعات تذکره‌نویسان، اجداد وی در زمان شاه عالم، یکی از آخرین شاهان مغولان هند، در منطقهٔ چورولییای شهرستان بردومان سکونت گزیدند. (محمد عیسی شاهی، ۱۳۷۴ش: ص ۲۰) قاضی نذر الاسلام در تاریخ ۲۵ ماه مه سال ۱۸۹۹ میلادی در روستای چورولییای شهرستان بردومان از توابع استان بنگال غربی هندوستان فعلی متولد شد. (احمد شهاب الدین، همان: ص ۴۸۴) کنیه اش «دکو میا» (به معنای صاحب رنج و غم) بود. علت این نام‌گذاری این بود که بعد از پسر اول پدرش، که نامش صاحب جان بود، چهار پسر وی یکی پس از دیگری فوت کردند و سپس قاضی نذر الاسلام چشم به جهان گشود. به همین مناسبت، وی به همان نام مستعار خوانده می‌شد. البته مراحل بعدی زندگی اش نیز مملو از رنج و غم و فقر و بیماری بود. (رفیق الاسلام، ۱۹۸۲م: ص ۷) نام پدرش قاضی فقیر احمد و جدش قاضی امان الله و مادرش زاهده خاتون بود. پدر و جدش خدمتگزاران مزار (مقبره یک صوفی) و مسجد روستای چورولیا بودند. در سن هشت سالگی سایهٔ مهر و نوازش پدر از سر قاضی نذر الاسلام رخت بریست. (محمد عیسی شاهی، همان: ص ۲۰) در ده سالگی آموزش ابتدایی خود را در مکتب (مدرسهٔ دینی برای کودکان) روستای خود به پایان رسانید و سپس در همان مدرسه شغل معلمی را وسیلهٔ کسب معاش قرار داد. چندی بعد عهده‌دار پیشهٔ آبا و اجدادش یعنی خدمتگزاری مزار صوفی شده و مؤذنی مسجد روستا را به عهده گرفت. (احمد شهاب الدین، ۲۰۰۱م: ص ۴۸۵) وی اولین درس عربی، اردو، فارسی و بنگالا را نزد مدرس مکتب روستای مذکور به نام فضل احمد به خوبی فرا گرفت. علاوه بر این در همان ایام با زبان انگلیسی هم کمی آشنا شد. بعد از وفات پدر، نذر الاسلام چند سال زیر نظر بذل کریم یکی از عموهای خود قرار گرفت که در زبانهای عربی و فارسی تبحر داشت و در زبان بنگالا با واژگان عربی و فارسی شعر می‌سرود. بدون شک همهٔ اینها در پرورش افکار و نظرات قاضی نذر الاسلام اثر گذاشته است. بنابراین وی نیز از خردسالی شروع به شعر گفتن نمود که در همان ایام نگاه استادان و مردم را

به خود جذب می‌کرد. (محمد عیسی شاهدی، همان:ص ۲۱) شاعر خان محمد معین‌الدین از شاگردان و رفقای قاضی نذرالاسلام دربارهٔ کودکی و نوجوانی وی می‌گوید پدرش قاضی فقیر احمد مردی فاضل و عارف و خادم مزار صوفی و امام مسجد روستای خود بود. به دلیل بدی وضعیت اقتصادی خانواده اش، بعد از وفات پدر و پایان تحصیلات ابتدایی، معلم مکتب و نیز اول مؤذن و بعد امام مسجد روستا شد. اما فقر و تنگدستی مسیر زندگی وی را خیلی زود دگرگون ساخت و او را از محیط دینی به جایی دیگر کشاند. در واقع بعد از وفات پدر، هیچ عاملی نبود که دل بی‌قرار این نوجوان کنجکاو را آرامش ببخشد. (خان محمد معین‌الدین، ۱۹۹۶م:ص ۵) به همین دلیل وی محیط دینی را ترک کرد و به یکی از گروه‌های فرهنگی محلی به نام «گروه لیتو» (گروه بازیگری و نمایشگری) پیوست. این گروه‌ها با یکدیگر به مسابقات شعر و سرود خوانی و نمایشی می‌پرداختند. نبوغ نذر الاسلام در این مرحله از زندگی‌اش شکوفا شد، زیرا وی برای این گروه نمایشنامه و سرودهای عامیانه می‌نوشت و می‌سرود. در این هنگام نه تنها اشعار ترانه‌ها را می‌سرود بلکه آهنگ آنها را نیز خودش تنظیم می‌کرد و خودش نیز آنها را می‌خواند (برزگر، ۱۳۷۵ش:ص ۲۵۳۲) این نبوغ، خیلی زود او را استاد گروه خود ساخت. اما این هم زیاد ذوق کنجکاو وی را سیراب نمی‌ساخت و پس از مدتی این گروه را هم ترک کرد و در سال ۱۹۱۱میلادی از روستای خود به شهر «آسانول» تابع شهرستان بردومان رفت (احمد شهاب‌الدین، همان:ص ۴۸۵) در آن هنگام، قاضی نذر الاسلام برای تأمین معاش خود در یکی از نانواپیهای شهر آسانول به کار نان پزی مشغول شد. (عبد الحی شیکدار، ۱۹۹۶م:ص ۲۴) عضویت وی در گروه فرهنگی محلی مذکور سبب شد با تارها و سازهای موسیقی آشنا شده و نواختن همه آنها را به‌خوبی یاد بگیرد. نی، سه‌تار و هرمونیم از جمله سازهایی بودند که آنها را خیلی خوب می‌نواخت. در آسانول نیز به کار سرودن شعر و نواختن سازها ادامه داد و مردم را به سوی خود جذب می‌کرد. در همان هنگام یکی از افسران پلیس به نام قاضی فیض‌الله او را در همان نانواپی پیدا کرد و با نبوغ وی آشنا شد. (Sajed Kamal, 2000: p 237) او این پسر یتیم را از این نانواپی نجات داد و به روستای خود به نام «قاضیرسیلا» تابع شهرستان «میهن سینگ» بنگلادش فعلی برد و در دبیرستان «دری رام پور» در کلاس هفتم ثبت نام کرد. بعد از یکسال، در سال ۱۹۱۳ میلادی وی به «رانسی گنج» (منطقه‌ای در میهن سینگ) رفت و در دبیرستان «سیارسول راج» ثبت نام نمود. (Nurul Huda, 1997: p6) اینجا نیز نبوغ وی بر تهیدستی‌اش غالب شد، زیرا اگرچه وی هیچ پولی نداشت اما به دلیل شاگرد ممتاز

بودن از پرداخت هزینه‌های خوراکی، خوابگاه و درسی معاف شد. (شیخ اجیب الحق، ۲۰۰۱ م:ص ۴۳) قاضی نذر الاسلام در این مدرسه تا کلاس دهم بدون هیچ پریشانی تحصیلات خود را ادامه داد. شایان ذکر است که وی همیشه در کلاس شاگرد اول می شد. (خان محمد معین الدین، همان:ص ۹) نذر الاسلام در زمان دانش آموزی نیز شعر می سرود و در مراسم و مناسبت‌های گوناگون می خواند و توجه معلمان، دوستان و مردمان را به خود جلب می کرد. یکی از اشعار وی که در سن کم و در زمان دانش آموزی سروده بود برای ارزیابی خلاقیت ذاتی و نبوغ شعری وی بسیار قابل تأمل می باشد.

### جوجه کوچولو

در میان روزن یک ساختمان قدیمی  
 یک جوجه کوچک، زاری کنان مادر خویش را می خواند  
 باد این نغمه زاری را تا دور دستها می برد  
 و مادرش آن سوتر با قلبی پریشان  
 که شاید پسرکی شیطان، بچه کوچک او را می رباید.  
 به سوی آشیانه پرید  
 در حالی که قلبش از مهر و محبت در سوز و گداز بود  
 و حشرهای در منقار داشت.  
 هنگامی که پرنده کوچک، مادر خویش را دید  
 هوای آغوش گرم مادر، او را از خود بی خود کرد  
 روحش به هیجان آمد و در تلاش پرواز  
 از لانه بر زمین افتاد  
 و اشک از چشمان مادر فرو ریخت  
 پسرکی که رنج بی مادری جانش را می آزد  
 با دیدن این صحنه به یاد محبت مادر،  
 آهی جان گداز از سینه اش برخاست.  
 نردبانی آورد و جوجه پرنده را در آشیانه اش گذاشت  
 چشمان پر اشک جوجه کوچک برقی زد

و با تمام وجود او را دعا کرد  
چشمان حیرت زده مادر نیز به جگر گوشه‌اش دوخته شد  
و با سپاسی از دل و جان  
با قطره‌ای اشک از گوشه چشم نثار پسر کرد.

(محمد عیسی شاهدی همان: ص ۲۲-۲۳)

قاضی نذر الاسلام تا کلاس دهم در همان مدرسه سیارسل راج در شهر رانی گنج درس خواند. در سال ۱۹۱۷ میلادی چند ماه پیش از امتحان دیپلم، امواج جنگ جهانی اول به سواحل استانهای هند به ویژه به بنگال هم رسید. حکومت انگلیس هند برای آن جنگ جوانان هند را هم تشویق کرد. (عبد المقتت چودری، ۲۰۰۰م:ص ۲۰۳) نیروهایی که به دعوت آن حکومت از هند تشکیل شد در صف نیروهای متفقین در جبهه‌های مختلف می‌جنگیدند. حکومت انگلیس در هر استان هند، به جز استان بنگال، سپاهی مستقلی تشکیل داده بود. به این سبب از این استان نیز صداها بلند شد تا سپاهی بنگالی تشکیل داده شود. به دنبال این جریان، سپاهی مستقل به عنوان «بنگالی پلتن» (سپاه بنگالی) از طرف حکومت انگلیس هند تشکیل گردید و اعلامیه‌ها برای ثبت نام در این سپاه منتشر شد. این اعلامیه‌ها جوانان شهر و روستای این استان را به هیجان آورد و بسیجی عمومی شروع شد. (محمد عیسی شاهدی، همان:ص ۲۳) قاضی نذر الاسلام که جوانی باهوش بود و روحیه‌ای مبارزه و آزادیخواه در خونس جریانش داشت، مدرسه را ترک کرد و در همان «بنگالی پلتن» ثبت نام کرد و در سال ۱۹۱۷م برای آموزش نظامی به همراه نیروی بریتانیای هند به نوشروان کراچی (شهری در پاکستان فعلی) رفت. (Rezual Karim, Talukdar, 1994: p24) او آموزش نظامی را که مدت سه ماه طول کشید به خوبی تمام کرد و در نتیجه انجام کارهای دلیرانه، خیلی زود به سمت «ماستارهاولدار» (گروهیان درجه عالی) منصوب گردید که برای سربازی بنگالی واقعاً بی‌سابقه بود. دو و نیم سالی خدمت نذر الاسلام در ارتش، یکی از مهم‌ترین دوران زندگی وی می‌باشد. (رفیق الاسلام، ۱۹۷۲م:ص ۳۳) زیرا در همان ایام، وی با آثار شاعران مشهور ایران به ویژه خیام و حافظ و سعدی و رومی به خوبی آشنا گردید. خودش در مقدمه ترجمه رباعیات حافظ شیرازی ذکر نموده که در مدت سه ماه، نزد عالمی دینی، زبان فارسی را به خوبی فرا گرفت و در زمانی کوتاه، تمام آثار مشهور شاعران فارسی‌گوی ایران را به طور کامل خواند. (شلی، راشد الحسن، ۲۰۰۵م:ص ۳۰) «در حقیقت نبوغ و زندگی شعری و

ادبی قاضی نذر الاسلام نیز در حین انجام وظیفه نظامی در کراچی شکوفا شد. (احمدشهاب الدین، همان:ص ۴۸۵) به طوری که شروع زندگی سربازی را می‌توان آغاز زندگی شعری و ادبی او خواند. (محمد عیسی شاهدی، همان:ص ۲۴) در همان اوقات وی اشعار و مقالات و داستانهایی دلچسب خود را مرتباً برای مجلات و روزنامه‌های بنگالا زبان کلکته به ویژه مجله «مسلم بهارت» (هند مسلم) و «سوغات» ارسال می‌کرد. (شیخ اجیب الحق، همان:ص ۶۸) نوشته‌های پر مغز و نغز نذر الاسلام بی‌درنگ بین عامه مردم منتشر گردید و مردم آزادی‌خواه را به شور و هیجان درآورد و بسیجی عمومی علیه حکومت انگلیس آغاز گردید. پیام آزادی و استقلال و انتقاد از اعمال ظالمانه حکومت انگلیس در نوشته‌ها و سروده‌های وی، در دل جوانان این سرزمین آتش شورش را برانگیخت. این نوشته‌ها خوانندگان از هر قشر جامعه را چنان جذب می‌کرد که رفته‌رفته مردم تمام کشور به سوی وی روی آوردند و منتظر استقبال صمیمانه برای او بودند. از این طریق نذر الاسلام، خارج از کشور نیز جای خود را در محفل شعرا و ادبا محکم می‌ساخت. در نوشته‌هایی که قاضی نذراسلام از کراچی برای مجلات ارسال می‌کرد خود را همیشه به نام «هاولدار (=گروهبان) قاضی نذر الاسلام» معرفی می‌نمود. به این خاطر وی در جامعه به تخلص «شاعر سرباز» معروف گشت. (خان محمد معین الدین، همان:ص ۱۳) شاعران و ادیبان این کشور نوشته‌های این شاعر تازه نفس را مورد ستایش قرار می‌دادند. با پایان یافتن جنگ جهانی اول و انحلال سپاه بنگالی در اوایل سال ۱۹۲۰ میلادی نذراسلام نیز از کراچی به کلکته بازگشت و در دفتر انجمن ادبی مسلمانان بنگالی سکونت گزید و از آن به بعد به طور کامل به فعالیتهای گوناگون فرهنگی و ادبی و سیاسی روی آورد. (برزگر، ۱۳۷۵ش:ص ۲۵۳۲) با سکونت گزیدن نذراسلام در دفتر انجمن مذکور زندگی روزنامه‌نگاری و سردبیری روزنامه و مجلات را آغاز نمود و چهره انقلابی وی برای همگان نمایان گشت. از آن زمان تا کناره‌گیری بر اثر بیماری سخت، وی مسؤلیتهای مختلف خویش نظیر: سردبیری روزنامه «نابو جوگ» (عصر جدید) دوباره (در سال ۱۹۲۰ و سال ۱۹۴۱ میلادی) و «دهوم کیتو» (ستاره دنباله‌دار) در سال ۱۹۲۲م و «لنگول» (گاو آهن) در سال ۱۹۲۲ میلادی به خوبی انجام داد. اما همه این روزنامه‌ها و مجلات همیشه بعد از مدت کوتاهی به جرم انتشار مقالات و گزارش‌های شورانگیز و اشعار جانبخش و طرفداری مردم آزادی‌خواه، از طرف دولت منحل گشتند. حتی خود شاعر هم چند بار به جرم نوشتن اشعار و مقالات ضد حکومت و سلطه انگلیس به دست نیروهای انتظامی بارها دستگیر و زندانی شد.

(سال ۱۹۲۳ میلادی برای یک سال و در ۱۹۳۰ م به مدت شش ماه) Rezaul Karim Talukdar, (ibid: p50). او در زندان هم نوشتن اشعار و مقالات علیه حکومت را ادامه داد. که نخستین و بهترین نمونه ادبیات حبسیه به زبان بنگالی محسوب می‌شود و به عنوان بزرگ‌ترین شاعر مسلمان بنگالی معروف و مورد قبول همه اقشار جامعه قرار گرفت. در سال ۱۹۲۱ میلادی شعر پر آوازه نذر الاسلام به عنوان بیدروھی (شورشگر) منتشر شد و او سمبل آزادی مردم کشور شد. با این شعر، وی وزنی جدید را در ادبیات بنگالی ایجاد کرد. (خان محمد معین الدین، همان:ص ۱۶) وی علاوه بر سرودن شعرها و نوشتن مقالات شورانگیز علیه حکومت انگلیس فعالیت‌های گوناگون سیاسی را نیز انجام می‌داد. او یکی از بنیانگذاران «حزب کمونیستی هند» (تأسیس ۱۹۲۱ م) بود و همچنین در تشکیل «حزب کارگران استقلال‌طلب» در سال ۱۹۲۵ میلادی نیز شرکت نمود و یکی از اعضای حزب کنگره هند بود و در سال ۱۹۲۶ میلادی در انتخابات عمومی مجلس نیز شرکت نمود. (عبدالمقیت چودری، ۱۹۹۷ م: ص ۳۹۹) قاضی نذر الاسلام در تاریخ روز جمعه آوریل سال ۱۹۲۴ میلادی با یک دختر پیرو دین هندو، به نام «اشالاتا سن کوپتا (پرومیلا)»، به شیوه اهل بیت (ع) ازدواج نمود. این ازدواج در شهر کلکته انجام گرفت. (خان محمد معین الدین، همان:ص ۳۷) پیش از این وی با خانمی مسلمان، به نام «سیده خاتون» معروف به «ترگس اثر خانم»، در سال ۱۹۲۰ میلادی از دهکده «دولت پور» ناحیه «کوملا» (یکی از شهرستانهای کنونی بنگلادش) ازدواج کرد. ولی گویا در شب زفاف به خاطر یک برخورد ناگوار، خانه عروس را شبانه ترک کرده بود. (عیسی شاهدی، همان: ص ۳۲) قاضی نذر الاسلام از خانم پرومیلا چهار پسر داشت به نامهای آزاد کمال، آریندم خالد معروف به بلبل، قاضی ستاساچی، قاضی آنی رڈ. (شیخ اجیب الحق، همان: ص ۱۹) اما از این چهار پسر دو نفر اول یعنی آزاد کمال و بلبل در بچگی درگذشتند. نذر الاسلام در مقدمه ترجمه رباعیات حافظ شیرازی می‌گوید روزی که ترجمه مذکور تمام گردید پسرش بلبل که محبوب‌ترین پسر وی بود در سن چهار سالگی در سال ۱۹۲۶ میلادی از دنیا رفت. این واقعه شاعر را خیلی رنجور و اندوهگین ساخت. (رفیق الاسلام، همان: ص ۱۲۷) قاضی نذر الاسلام ۳۸ سال کوچک‌تر از رابیندرانات تاگور بود و بین این دو بزرگ‌ترین شاعر ادبیات بنگالا، ارتباط معنوی گرم و عمیقی وجود داشت. تاگور همیشه قاضی را تشویق می‌کرد و نوشته‌های پر شور و جان‌بخش وی را مورد ستایش قرار می‌داد. نذر الاسلام نیز به او خیلی احترام می‌گذاشت و وی را «شاه شاعران جهان» خطاب می‌کرد. تاگور به ستایش و تشویق وی شعرها



نوشت. نذراالاسلام نیز به ستایش و احترام وی چند شعر سرود و حتی گزیده اشعار خودش «سن چیتا» را به تاگور اهدا نمود. (شیخ اجیب الحق، همان: ص ۹۳-۹۹) شایان ذکر است که تاگور هم نمایشنامه مشهور خود «باشانتا» (بهار) را به نذراالاسلام اهدا کرده بود. (شهاب الدین احمد، ۱۹۹۹م: ص ۱۹) تمام زندگی این شاعر وطن پرست و مردم دوست مملو از رنج و غم و اندوه بود. فقر، همراه همیشگی زندگی او بود. به این جهت با اینکه برای امرار معاش خود و خانواده خویش پریشان بود، باز هم از سرودن شعر و نوشتن داستان، رمان، نمایشنامه، متون فیلم، مقاله‌های ادبی و سیاسی و سرودهای عشقی و دینی و ساختن آهنگ برای آن سرودها هرگز دست نکشید و در چند فیلمنامه خود، بازی نیز کرد. به این خاطر برای انجام کارهای گوناگون در زمینه ادبیات و فرهنگ، دانشگاه کلکته او را در سال ۱۹۴۵م جایزه «جاگوت تارینی» (منجی جهان)، دولت آزاد هند در سال ۱۹۶۰ میلادی لقب «پد مابھوش» (گل نیلوفر دار) عالی ترین لقب دولت هند، دانشگاه راییندرابهاراتی در سال ۱۹۶۹ میلادی لقب دی لیت (دکتر در ادبیات)، دانشگاه داکا در سال ۱۹۷۴ میلادی لقب دی لیت (دکتر در ادبیات)، دولت بنگلادش در ۱۹۷۶ میلادی جایزه «۲۱ فوریه» و ارتش بنگلادش در همان سال «لوح تقدیری ارتش» به وی اعطا نمودند. این همه امتیازات تصدیق کننده نبوغ فوق العاده شاعر بود. (احمد شهاب الدین، ۲۰۰۱م: ص ۴۸۵)

تراژدی عظیم زندگی قاضی نذر الاسلام این است که اگر چه وی ۷۷ سال حیات یافت، اما زندگی ادبی واقعی وی بیشتر از ۲۲ سال (از سال ۱۹۲۰م تا ۱۹۴۲ م) طول نکشید. علتش این بود که حوادث جانسوز نظیر فوت دو پسر عزیزش به ویژه پسر دوم، بلبل، مبتلا شدن همسرش «پرومیلا» به مرض فلج در سال ۱۹۳۹ میلادی و هزینه‌های هنگفت برای درمان وی و غیره یکی پس از دیگری به او روی آورد و آرزوهای زندگی‌اش را به یأس تبدیل کرد در شعری که برای صفحه شکوفه‌های روزنامه «آزاد» در ۷ اوت ۱۹۴۰ میلادی نوشته است، این حقیقت را نمایان می‌کند:

ما گلی شکفته‌ایم شما هنوز شکوفه‌اید

بیایید در مجلس گلها،

پیش از پژمرده شدن بخدمت،

با شما همنشین شده‌ایم و سپس رخت بر خواهیم بست،

ما گلهایی هستیم که پروانه‌ها آنرا خورده اند،

اما آرزو داشتیم این دنیا را بیاراییم همچون فردوس برین،  
آرزوهای مانده ما را شما جوانان برآورید و بهشت را به محفل دنیا بیاورید.

(محمد عیسی شاهدی، همان: ص ۵۶-۵۷)

از این رو، بر اثر این همه رنج و غم و مصائب، قاضی نذر الاسلام در سال ۱۹۴۲ میلادی دچار سکنه مغزی شد و از آن پس به رغم تلاشهای مستمر برای درمان، تا پایان عمر دستخوش اختلال حواس و بیماری روانی بود. حتی نتوانست با کسی حرف بزند یا چیزی بنویسد یعنی نیروی سخن گفتن و نوشتن را کاملاً از دست داد و این وضعیت تا پایان زندگی اش ادامه داشت. در تاریخ بیست و دوم ماه مه ۱۹۷۲ میلادی به درخواست و دعوت دولت بنگلادش، خانواده اش به بنگلادش آورده شد. در ژانویه ۱۹۷۶ میلادی از طرف دولت تابعیت بنگلادش و خطاب «شاعر ملی بنگلادش» به او عطا گردید. منتهی این نایب بزرگوار و بی مثال ادبیات بنگالا در روز یکشنبه ۲۹ اوت ۱۹۷۶ میلادی در بیمارستان پی جی، داکا بدرود حیات گفت. رئیس جمهور و صدها هزار نفر از اقشار مختلف جامعه در نماز جنازه این شاعر شرکت نمودند. (عبدالمقیت چودری، ۱۹۹۷م: ص ۴۰۲) پیکر نذرالاسلام را در کنار مسجد دانشگاه داکا به خاک سپردند که زیارتگاه اهل دل، اهل شعر و ادب و اهل عشق است زیرا خودش در یکی از سرودهایش می سراید:

در جوار مسجد دفنم کن ای برادر،

تا بشنوم اذان مؤذن را از درون قبر...

(محمد عیسی شاهدی، همان: ص ۶۶)

## ۲- معرفی تألیفات قاضی نذر الاسلام

❖ بتارادان (عطیه رنجها): این کتاب مجموعه ۶ داستان است که به صورت نامه نوشته شده و بیان آنها به قدری موزون است که می توان آن را «نثر مسجع» نامید. (رفیق الاسلام، همان: ص ۴۳۳)

❖ آگنی بینا (سه تار آتشی): این کتاب مجموعه مشهورترین اشعار او نظیر شورشگر، عید قربان، محرم، ستاره دنباله دار، کمال پاشا، شط العرب و جز اینها می باشد. این اشعار پر شور و زیبا است. (بینا، سازی است مثل سه تار که دارای ۴ یا ۵ تار می باشد که نوازندگان با دست می نوازند). (همان: ص ۴۶۶)

- ❖ جوگ بانى (سخن عصر): این کتاب مجموعهٔ مقالات وی می‌باشد که قبلاً به صورت جداگانه در روزنامهٔ «عصر جدید» به چاپ رسیده بود. این مقالات سرشار از طنز و انتقاد علیه حکومت بریتانیای هند است. (محمد منیر الزمان و دیگران، ۱۹۸۷م:ص ۵۴۵)
- ❖ راج باندى زبان بندى (اعترافات زندانى سیاسى): این کتاب اولین حبسیهٔ منشور در ادبیات بنگلا می‌باشد که شاعر در هنگام اسارت برای ارائهٔ آن به دیوان نوشته بود. (همان:ص ۵۴۵)
- ❖ دولون چانپا (نام گلی خوشبو در بنگلادش): این کتاب مجموعهٔ اشعار و ترانه‌های وی می‌باشد که زبانش عاشقانه و روان است و شامل ۱۹ سروده است. (رفیق الاسلام، همان:ص ۴۶۶)
- ❖ بیشر بانشى (نی زهر آلود): این کتاب مجموعهٔ ۲۴ سروده و اشعار وی است که اغلب آنها انقلابی و شور انگیز بوده و مردم آزادی‌خواه را تشویق و ترغیب می‌کرد، به این سبب حکومت وقت این کتاب را نیز ضبط کرده بود. (همان:ص ۴۶۶)
- ❖ بهانگرگان (سرود درهم شکستن): این کتاب شامل ۱۱ سروده و شعر انقلابی تشویق‌کننده و شور انگیز و یکی از حبسیه‌های منظوم نذراسلام محسوب می‌شود که در آن دولت را با زبان طنز مورد انتقاد قرار داده است. (رفیق الاسلام، همان:ص ۴۳۳)
- ❖ ریک ترییدن (رنج بینوا): این کتاب مجموعهٔ ۸ داستان جذاب و عاشقانه است که زبان داستانها بسیار ساده و روان و قابل ستایش می‌باشد. (همان:ص ۴۳۳)
- ❖ چیت تاناما (دل‌نامه): این کتاب مجموعه اشعار و ترانه‌هایی که نشان‌دهندهٔ غم و اندوه شاعر در سوگواری آقای «چیتارتجن داش»، ملقب به کشور دوست، می‌باشد. (همان:ص ۴۳۳)
- ❖ سیانت (نام یکی از نتهای موسیقی): این کتاب شامل ۵۲ شعر و ترانهٔ عاشقانه، مهجوری، کشور دوستی و غیره می‌باشد. (همان:ص ۴۳۳)
- ❖ شم موبادى (مساوات خواهی): این کتاب منظوم شامل نظریهٔ سوسیالیستی شاعر است و در هر بیت آن سخن از تساوی و برابری همگانی و انسانیت و جوانمردی هویدا و آشکار می‌باشد. (رفیق الاسلام، ۱۹۹۰م:ص ۴۶۶)
- ❖ پوبرهوا (باد شرقی): این کتاب حاوی ۳۷ شعر و سروده با مضامین عشق و هجران می‌باشد که بیانگر وضعیت واقعی روحی و احوال دل یک شاعر شورشگر است. (رفیق الاسلام، ۱۹۹۳م:ص ۴۳۳)

- ❖ زینگه فول (گل زینگه): این اثر شامل ۱۳ شعر کودکانه جالب و دل انگیز و در عین حال روان و مناسب برای بچه‌ها می‌باشد. (همان:ص ۴۳۴)
- ❖ دوردینیرجتری (مسافروزرگار تلخ): این کتاب مجموعه ۷ مقاله است که در هر سطر آن سخن از بیداری و آزادی ملت به صورت طنز و تحریض نگاشته شده است. (محمد منیر الزمان و دیگران، همان:ص ۵۴۵)
- ❖ شاربوهارا (بی خانمان): این کتاب مجموعه ۲۵ سروده شاعر با مضمون عدالت خواهی، جوانمردی، کشور دوستی، آزادی، اقامه حقوق زنان در جامعه و جز آن می‌باشد. (رفیق الاسلام، ۱۹۹۰م:ص ۴۶۶)
- ❖ رودرو مانگول (سعادت در وحشت): این کتاب مجموعه ۷ مقاله دینی، کشور دوستی و غیره می‌باشد. (رفیق الاسلام، ۱۹۹۳م:ص ۴۳۴)
- ❖ فانی مانشا (کاکتوس ماری): این کتاب مجموعه اشعار و ترانه‌های بیدارکننده و شورانگیز می‌باشد که غالب آنها مربوط به وقایع نظامی و ستایش مردم سیاسی است. (همان:ص ۴۳۴)
- ❖ بادون هارا (بی‌بند و بار/ بی‌نظم): این کتاب یکی از رمانهای شاعر است که داستان عشق ناموفق خود وی را بیان می‌کند و گفته می‌شود که «شورش‌گر» مشهورترین شعر نذراالاسلام است. (همان:ص ۴۳۴)
- ❖ شین دو هین دول (تلاطم دریا): این کتاب مجموعه ۱۸ شعر و نغمه عشقی شاعر می‌باشد و علاوه بر اینها دارای موضوعات دیگر نظیر ستایش فقر، وصال با دوست و رنج و شکنجه هجران نیز است. (همان:ص ۴۳۴)
- ❖ شن چیتا (منتخب اشعار): این کتاب دارای اشعار و سروده‌های مشهور شاعر می‌باشد که به رایبندرانات تاگور اهدا شده است. (خان محمد معین الدین، همان:ص ۲۱۲)
- ❖ بلبل - جلد اول: مشهورترین کتاب نغمات قاضی نذراالاسلام که به نام پسر عزیزش نگاشته شده و ترانه‌هایی آهنگ اغلب ترانه‌هایش از آهنگ‌های ایرانی، ترکی، عربی و کشورهای دیگر خاورمیانه اقتباس شده است. (رفیق الاسلام، ۱۹۹۳م:ص ۴۳۴)

- ❖ زنجیر: این کتاب مجموعه اشعار و ترانه‌های دینی شاعر می‌باشد که تعدادش ۱۶ است پهلوانان و مراسم دینی نظیر: خالد امان الله، عمر فاروق، نوروز، سوغات، عید مبارک، خوش آمدید و غیره از عناوین آن می‌باشد. (همان:ص ۴۳۴)
- ❖ چاکروباک (بط / مرغابی): این کتاب مجموعه ۲۲ اشعار شاعر می‌باشد و دربرگیرنده موضوعات گوناگون عشقی و طبیعی است. (همان:ص ۴۱۱)
- ❖ شندا (شامگاه): این کتاب مجموعه ۲۳ شعراست که دارای موضوعاتی مانند ستایش زندگی، جوانی و جوانمردی، سرود نظامی، سرود نوجوانان و غیره است. (همان:ص ۴۱۳)
- ❖ چوکر چاتوک (چشم چکاوک گونه / منظور چشمی که منتظر باران - محبوب - است): این کتاب مجموعه ۵۱ ترانه و نعمات معروف شاعر می‌باشد و اغلب این سروده‌ها بر اساس غزل‌های فارسی نوشته شده که بسیار مورد قبول و توجه اقشار مختلف جامعه قرار گرفت. (همان:ص ۴۳۴)
- ❖ مریت توکودا (گرسنگی مرگ): یکی از رمان‌های مشهور شاعر می‌باشد. زبان این رمان بسیار روان و دلچسب است. (همان:ص ۴۳۴)
- ❖ رباعیات حافظ: او ۷۵ رباعی از رباعیات فارسی حافظ شیرازی را به بنگالی ترجمه کرده و براساس سبک حافظ آورده است. (محمد عیسی شاهدی، ۱۹۹۰م:ص ۴۴)
- ❖ نذرول گی تی کا (نعمات نذراالاسلام): این کتاب یکی از مجموعه ترانه‌های شاعر می‌باشد که دارای ترانه ملی، تغزلی، سنتی، طنز و جز آن می‌باشد. (رفیق الاسلام، ۱۹۹۳م:ص ۴۳۴)
- ❖ زیلی میلی (تالو): این یکی از نمایشنامه‌های دلچسب شاعر می‌باشد که دارای چهار بخش جداگانه است. (خان محمد معین الدین، همان:ص ۲۰۷)
- ❖ پرولای شیکا (شعله قیامت): این کتاب یکی از مشهورترین مجموعه‌های اشعار و نعمات شور انگیز و بیدارکننده شاعر می‌باشد و حاوی سخنان آزادی و انتقاد از کارهای ظالمانه حکومت بریتانیای هند است. (رفیق الاسلام، ۱۹۹۳م:ص ۴۱۴)
- ❖ کوه لیکا (کابوس): داستان و مضمون این رمان انقلابی می‌باشد که آزادی‌خواهان را خیلی تشویق کرده بود. (خان محمد معین الدین، همان:ص ۹)

- ❖ نذروں شارولیبی (نتهای سرودهای نذر الاسلام) : این کتاب یکی از کتابهایی است که نتهای آهنگ سرودها و ترانه‌های وی می‌باشد که خودش درست کرد که تعدادش ۳۰ عدد می‌باشد. (رفیق الاسلام، ۱۹۹۳م:ص ۴۳۵)
- ❖ چاندروبیندو (ماه خالدار): این کتاب شامل ۶۱ ترانه می‌باشد و ۱۸ تا از آنها طنزآمیز است و بیان آن شورانگیز و موجب تشویق جوانان آزادی‌خواه بود. (همان:ص ۴۱۸)
- ❖ شیولی مالا (گردنبند گل شیولی): این کتاب مجموعه داستانهای کوتاه می‌باشد که خیلی خوب خواننده را به جذب می‌کند. (وکیل احمد و دیگران، ۱۹۸۶م:ص ۵۵۹)
- ❖ آلیا (اشباح): این کتاب به صورت تئاتر و شعرگونه می‌باشد و مکالمات آن به شکل سرود است و داستانش از حماسه اساطیری دین هندو اقتباس شده است. (رفیق الاسلام، ۱۹۹۳م:ص ۴۲۱)
- ❖ شور ساقی (آهنگ ساقی): این کتاب مجموعه ۹۹ ترانه و نغمه عاشقانه می‌باشد. (رفیق الاسلام، ۱۹۹۳م:ص ۴۱۹)
- ❖ بان گیتی (نغمه جنگل): این کتاب مجموعه نغمات عشق و عاشقانه قاضی نذرالاسلام می‌باشد. (همان:ص ۴۳۵)
- ❖ ذو الفقار: مجموعه ترانه‌های اسلامی وی می‌باشد که برای بیداری ملت مسلمان نوشته بود. (همان:ص ۴۲۰)
- ❖ پوتولربیی (ازواج عروسک): مجموعه نمایشنامه و اشعار کودکانه می‌باشد که مناسب دختر بچه‌ها ست. (همان:ص ۴۳۵)
- ❖ گل باغچه (گلستان): مجموعه ۸۸ ترانه جذاب و عاشقانه قاضی نذرالاسلام می‌باشد. (همان:ص ۴۳۵)
- ❖ کبّ عم پاره (عم جز به نظم): این کتاب ترجمه جزء سی‌ام قرآن کریم به صورت منظوم می‌باشد و از آثار جاودان شاعر است. (خان محمد معین الدین، همان:ص ۲۰۴)
- ❖ گیتی شاتو دال (نغمات نیلوفر): مجموعه نغمات و ترانه‌های وی می‌باشد این ۱۰۰ سرود نیز به صورت نوار موجود است. (رفیق الاسلام، ۱۹۹۳م:ص ۴۳۵)
- ❖ شور لبی (نتهای آهنگ سرودها): کتاب نتهای آهنگها و سرودهای شاعر می‌باشد که خودش ساخته است. (خان محمد معین الدین، همان:ص ۲۱۴)

- ❖ شور موکور (آیینۀ آهنگ): این کتاب نیز یکی از کتابهای نتهای آهنگ و ترانه های وی می باشد. (همان: ۲۱۴)
- ❖ گانر مالا (گردنبند سرودها): این یکی از مجموعه کتابهای سرود می باشد و خیلی جالب و دلچسب است. (همان: ص ۹)
- ❖ مکتب شاهیت تو (ادبیات مکتب اطفال): یکی از کتابهای درسی می باشد که شاعر به درخواست یک ناشر برای طلاب و مدارس دینی نوشته بود. (رفیق الاسلام، ۱۹۹۳م: ص ۴۳۶)
- ❖ ست بای، چم پا (یک خواهر، هفت برادر): یکی از کتابهای جالب شاعر است که راجع به داستان هفت برادر و یک خواهر است که جادوگری آنها را به گل چم پا تبدیل کرده بود. (عبدالمقیت چودری، ۱۹۹۷م: ص ۴۰۱)
- ❖ نیرزار (آبشار): این هم یکی از کتابهای اشعار و سرودهای شاعر می باشد که حاوی سخنان جالب و دلنشین بوده و خواننده را به خود جذب می کند. (رفیق الاسلام، ۱۹۹۳م: ص ۴۳۶)
- ❖ ناتون چند (هلال): مجموعه ۱۹ شعر که دارای بیان شور انگیز و انقلابی است. (رفیق الاسلام، ۱۹۹۳م: ص ۴۳۶)
- ❖ ماروبهاشکار (خورشید صحرا): این کتاب منظومه ای است که براساس زندگی نامه پیامبر اکرم (ص) نوشته شد. (همان: ص ۴۳۶)
- ❖ بلبل - جلد دوم: این هم مثل جلد اول آن مجموعه سرودهای قاضی نذراسلام می باشد. (همان: ص ۴۳۶)
- ❖ شانچاین (گزیده اشعار): این کتاب گزیده مشهورترین اشعار و سرودهای شاعر می باشد. (عبدالمقیت چودری، ۱۹۹۷م: ص ۴۰۱)
- ❖ شش سوغات (سوغات آخر/آخرین هدیه): این هم مجموعه اشعار و سرودهای شاعر است. (همان: ص ۴۰۲)
- ❖ رباعیات عمر خیام: در این کتاب ۱۹۸ رباعی از رباعیات فارسی عمر خیام نیشابوری را به زبان بنگالی و خیلی زیبا و بی نظیر ترجمه کرده است. (نذراسلام، ۲۰۰۰م: ص ۲)
- ❖ مادهو مالا (گردن بند عسلی / منظور سیمین تن): این هم یک تئاتر شعر گونه و مکالمه آن با سرود است. (رفیق الاسلام و دیگران، ۱۹۹۳م: ص ۴۳۶)

❖ زار (طوفان): این کتاب مجموعه اشعار و سرودهای قاضی نذر الاسلام می‌باشد.  
(همان:ص ۴۳۶)

❖ دهوم کیتو (ستاره دنباله دار): این کتاب مجموعه مقالات شاعر است. (همان:ص ۴۳۶)  
❖ پیلی پاتکا پوتولربی به (ازدواج عروسک پیلی پاتکا): این کتاب مجموعه نمایشنامه و اشعار  
کودکانه شاعر می‌باشد که بسیار شیرین و خواندنی است. (همان:ص ۴۳۶)  
❖ رنگا جابا (شقایق سرخ): این کتاب مجموعه سرودهای مربوط به دین هندو می‌باشد.  
(همان:ص ۴۳۶)

### ۳- عشق به اهل بیت در نعمات قاضی نذر الاسلام

در مقدمه ذکر شد که قاضی نذرالاسلام شاعری، عاشق پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) است که این علاقه‌مندی در اکثر آثارش به چشم می‌خورد. حتی هنگامی که وی سردبیری روزنامه دهومکتو را بر عهده گرفت، شماره‌ای دارای هفت صفحه با عنوان «محرم» در تاریخ دوم سپتامبر ۱۹۲۲ میلادی به مناسبت عاشورای همان سال منتشر نمود که نخستین شماره ویژه راجع به مراسم دینی مذکور در تاریخ روزنامه‌نگاری زبان بنگلا محسوب می‌شود. یعنی شاعر ملی بنگلادش در این زمینه هم پیشرو گردید. این شماره پر از مقالات و اشعاری بود که اغلب آنها نوشته‌های خود شاعر بودند. (عبدالحی شیکدار، ۲۰۰۶م:ص ۸) شایان ذکر است که همگان این شماره را فوق العاده مورد تحسین و ستایش قرار دادند. یکی از اشعار شاعر با عنوان «محرم» که در این شماره انتشار یافت و دارای ۸۴ بیت بود، در جامعه فوق‌العاده شهرت پیدا کرد. مطلع این شعر به شرح زیر می‌باشد:

«آسمان نیلی سیاه و دنیا از خون سرخ سرخ شد

ای مادر! پسر عزیزت به دست قاتلان خون شد.»

(عبدالمقیت چودری، ۱۹۹۷م:ص ۵۲)

درباره این شعر دکتر محمد عیسی شاهی می‌نویسد:

« یکی از اشعار معروف قاضی نذرالاسلام «محرم» است. نذرالاسلام در این شعر ایثار و از خود گذشتگی حضرت امام حسین (ع) و مظلومیت زنان و کودکان اهل بیت پیامبر (ص) و ددمنشی یزید و نیروهایش را طوری ترسیم کرد که حماسه کربلا و درسهای این واقعه جان‌گداز از طریق این شعر در زبان و ادبیات بنگلا جاودان شد؛ البته از قرون گذشته بر اساس واقعه جان‌گداز کربلا



در ادبیات بنگالا اشعار سنتی، پوتی(عامیانه)، مرثیه‌خوانی، جنگ‌نامه، داستان‌سرایی و جز آن رواجی وسیع داشت. در قرن معاصر، میر مشرف حسین در کتاب معروف خود «بیشاد سندهو» (دریای غمها) واقعه کربلا را زنده و جاودان گردانید؛ ولی به دلیل عدم پشتوانه تاریخی و داستانی بودن آن از انتقادات پژوهشگران مصون نماند. در این رابطه شعر نذراالاسلام تحت عنوان «محرم» در حقیقت خلاصه گذشته‌ها و ارزیابی موزون کربلا، عاشورا و شهدای کربلا است.» (محمد عیسی شاهدی، همان: ص ۳۰)

فعالیت‌های مذکور شاعر نشان می‌دهد که او عاشق واقعی اهل بیت (ع) بود. یکی از مشخصات نذر الاسلام این است که وی نغمه‌سرایی را در ادبیات بنگالا به مقام اوج رسانید و در این زمینه هنوز هیچکس حتی رایبندرانات تاگور هم نتوانسته به مقام او دست یازد. وی تقریباً سه هزار سرود درباره موضوعات گوناگون نوشت. از این ترانه‌ها بیشتر از دویست عدد نعمات اسلامی وی می‌باشد که موضوعات مختلف اسلامی نظیر حمد خداوند، نعت پیامبر گرامی(ص)، سرودهای انقلاب اسلامی، ستایش شخصیت‌های اسلامی، سرودهای عشقی و معنوی، و سرودهایی راجع به مراسم اسلامی و جز آن را دربر گرفته است. ستایش اهل بیت(ع) هم یکی از موضوعات مهم نعمات اسلامی او می‌باشد که بعضی جاها به صورت سرود مستقل و بعضی جاها به صورت بخشی از یک سرود ذکر شده است. این سرودها در جامعه کنونی آن‌قدر معروف و مشهور است که بدون خواندن آنها با آواز و آهنگ خوش چه دینی یا چه فرهنگی، هیچ محفل و جلسه‌ای رونق نمی‌یابد. چند نمونه از نغماتی که نذراالاسلام در عشق و محبت اهل بیت (ع) سروده است، به شرح زیر می‌باشد.

۳-۱: نعمات قاضی نذراالاسلام راجع به حضرت علی(ع)

۱

ای فاتح خیبر علی(ع) حیدر! بیدار شو، بیدار شو بار دیگر  
 بده آن ذوالفقاری دوسری که قلعه‌های دشمنان را تباہ می‌کرد  
 ای شیر خدا! باز گرد بار دیگر در عربستان  
 به صدای «یا علی(ع)!» فریاد می‌زنند مسلمانان مستضعفان جهان  
 با بانگ حیدری خفتگان جهان را

بیدار و هشدار کن.

گریزی که بدان اوج کوه البرز را تباه کردی

آن را بار دیگر بزن!

ای ساقی بهشت! این ملت مرده شده را آب کوثر ببخش

امروز این ملتی (که روزی) فاتح جهان (بود)، از خود بی‌هوش و بی‌خبر اند

(لذا به) این (ملت) قوت و جوشش و شجاعت ببخش

بیا با به باد کردن گرد و غبار بیابان ناامیدی و مأیوسی،

با سوار شدن بر اسب دُلدل.

(نذراالاسلام، ۱۹۹۸م:ص ۱۹۶)

## ۲

توفیق ببخش ای خدای مهربان

تا جهان اسلامی بار دیگر آباد شود...

بار دیگر ببخش آن سلطنت گم شده / که از دست داده‌ایم

باز ببخش همان ذوالفقار که از آن شیر خدا حضرت علی (ع) بود...

تمام مسلمانان جهان در یک جماعت باشند

بلند باشد همان پرچمی که دارای هلال است.

(همان:ص ۱۹۸)

۲-۳: نغمات قاضی نذراالاسلام راجع به حضرت فاطمه (ع)

## ۱

مادرمان فاطمه (ع) ملکه بهشتها است

او دخت محبوب جهان و فرزند حضرت نبی اکرم (ص) است

او اهل مدینه و نجات‌دهنده از گناه و غم است

پناه امت نبی(ص) و فرشته خوش و شادی بخش است.  
 ای مادر! در بیابان و صحرای (ناامیدی) تو ابر مهر هستی  
 تو برای جان تشنه کویر گرمسار، سایه درخت مهر هستی.  
 ای مادر! همه زنان جهان که اسیر (در زندان قوانین مردان) بودند،  
 از لمس لطف و مهر تو آزاد شدند.  
 ای مادر! حسن(ع) را (در مدینه) و حسین(ع) را  
 در بیابان کربلا برای نجات این امت فدا کردی  
 به جای آن، در عوض آن، در روز حشر (از خدای بزرگوار)  
 نجات گنهکاران که بنده نیز شامل آنان هستم، را خواهی خواست.  
 تو چه خوش آمدی ای مادر! چون آبخاری که از سینه سنگ کوه جاری می شود،  
 چون آب زمزم که حوض لطف و مهر است.  
 ای فخر زنان اسلام خوش اخلاق و پاک نژاد!  
 از فردوس برین باران رحمت را بر ما بارانید.  
 (عبدالمقیت چودری، ۲۰۰۰م:ص ۹۱)

## ۲

با کبوتر آبی رنگ، دختر بچه حضرت نبی(ص) در مدینه بازی می کند  
 از نور بدن او رنگ پیراهن زعفرانی اش پریده می شود.  
 شکل صورت او عین صورت مبارک حضرت نبی(ص) است  
 چشمهایش همیشه پر از لطف و مهر است  
 او بره را (در آغوش) می گیرد  
 و با شوق از او درخواست شنیدن کلمه (شهادتین) می کند.  
 چه کسی (نمی داند) در مسجد جمعه آیات قرآن تلاوت می کند  
 او بی درنگ (که آن تلاوت را شنید،) بازی را ترک می گوید

و با بالا کردن دستهای کوچولویش (به دربار الهی) مشغول به مناجات شود.  
 (در حال مناجات) اشک می‌ریزد (از دیده‌هایش) چون جریان آب دریای نیل  
 و گریه کنان فریاد می‌زند: «(الهی) امت (پدرم را) نجات بده!»  
 (از شنیدن این چنین مناجات) حضرت رسول خدا(ص) او را (با لطف و مهر) در آغوش می‌گیرد و  
 می‌فرماید: «ای فاطمه (ع)! تو ملکهٔ بهشت برین هستی.»  
 (همان:ص ۹۱)

## ۳

زنان ما، در اخلاق و صفت الگو برای جهان می‌باشند...  
 دختر پیامبر، فاطمه(ع) ملکهٔ زنان پاکدامن و با اخلاق ما است  
 فداکاری و خدمات و لطف او بود چون آب کوثر در کویر گرمسار  
 امروز هم وصف و ستایش او در هر خانه بین مرد و زن خوانده می‌شود.  
 (همان:ص ۸۵)

۳-۳: مراثی قاضی نذراالاسلام راجع به حوادث دردناک کربلا

## ۱

هلال ماه محرم بار دیگر طلوع کرده برای ایجاد ناله و شیون و زاری در دنیا  
 «ای حسین (ع)! وای حسین(ع)!!» ماتم آن به گوش می‌خورد.  
 (به مناسبت این سالروز سوگواری)  
 زین العابدین(ع) از ناله و زاری در کربلا از هوش رفته است  
 حضرت علی و فاطمه (ع) در بهشت خودشان را بر زمین افکنده، ناله و زاری می‌کنند.  
 امروز هم صدای ناله و زاری آن در همه جای آسمان و زمین گوش می‌کنم  
 و بر کویر صحرا از ابر سرخرنگ خون می‌بارد.  
 خانم سکینه با گرفتن جسد قاسم در آغوش خود ناله و زاری می‌کند  
 خداوند نیز با مشاهدهٔ آن سینهٔ نازک تیر خوردهٔ کودک اصغر، به گریه درآمده.  
 امروز مسلمانان جهان (از یاد این سالروز سوگواری) ناله و زاری می‌کنند و مرثیه می‌خوانند.

در سوگ آن، از هزار سال گذشته، اشکها (از دیده‌های بنی آدم) دائماً می‌ریزد.

(همان:ص ۹۲)

۲

آن محرم سوگواری با یادگاری (حوادث اندوهگین) کربلا از راه رسید  
 امروز مسلمانان جهان از یاد آن وقایع سوگواری، از ناله و زاری بی‌تاب و بی‌قراراند.  
 امروز یادم می‌آید تشنگی بچه شیرخوار اصغر که آب خواسته بود  
 اما (از ضربه تیر دشمنان) به شهادت رسید در حالی که او در آغوش حسین(ع) بود.  
 (یادم می‌آید که) سکینه از رنج و اندوه بسیار زیاد در خیمه بی‌هوش افتاده،  
 در حالی که در یک دست او دستبند ازدواج و بر دست دیگر جنازه قاسم بود.  
 آه! زین العابدین(ع) از گریه و زاری از هوش رفت  
 و از دیده‌هایش (در جای اشک) خون می‌ریزد  
 چون او انسان است، می‌تواند (اینچنین رنج و اندوه را) تحمل کند.  
 اما اگر سنگ هم بود، (از تأثیر آن) به تدریج از بین می‌رفت.  
 چون حضرت حسین(ع) به شهادت رسیده است،  
 اسب دلدل پشت خالی نیز از سوگ او گریه می‌کند  
 به مناسبت این سوگ در آسمان به جای باران، خون می‌بارد.

(همان:ص ۹۳)

۳

(بعد از شکست دادن دشمنان) چون پسر عزیز فاطمه(ع)، حسین(ع)، در آب فرات فرود آمد،  
 از دیده‌هایش سیل اشک جاری شد.  
 در دو کف خود آب برداشت اما بی‌درنگ از دستها به پایین انداخت،  
 آه! شاید آن حوادث دردناک و دلسوز به یادش آمد که  
 کودک شیرخوار اصغر به جرم خواستن آب، تیر دشمنان را خورد  
 و با نوشیدن خون خود، برای همیشه خوابید

داماد نو، قاسم هم برای این آب به شهادت رسید.  
 برای به دست آوردن این آب، حنای دست سکنینه (که به مناسبت ازدواج خود مالیده بود)، ناپدید شد.  
 صدای آه و ماتم آن از موج این آب (رود فرات) شنیده می‌شود  
 خون شهیدان با این آب آمیخته شده است.  
 بازوی عباس شجاع برای این آب قطع شد و به شهادت رسید.  
 زین العابدین(ع) از فقدان این آب در خیمه از تشنگی دارد می‌میرد.  
 اگرچه حسین(ع)، فاتح این جنگ است، اما از رنج و اندوه این حوادث سوگوار شد، و در آخر (به دست دشمنان) به شهادت رسید.

(نذرالاسلام، ۱۹۹۸م:ص ۲۰۱)

#### ۴

ای مادر فاطمه(ع)! سریع بیا و ببین، (دشمن) بر سینۀ پسر عزیزت خنجر می‌زند  
 ای مادر! آخرین چراغ دین (مبین اسلام) دارد خاموش می‌شود  
 ای دریغ! شهر مدینه هم دارد تاریک می‌شود.  
 کجا هستی ای شیر خدا و ذوالفقار تو کجا است؟  
 (بیدار شو و) گورت را شکاف بده و بیا به میدان کربلا  
 فرزندان، اولاد تو امروز (به دست دشمنان) ویران شدند  
 (به این خاطر) تمام عالم از سوگ آن پژمرده شد.  
 ای آخرین پیامبر(ص)! تو کجا هستی؟ بر گردنی که تو می‌بوسیدی،  
 دشمنان بر همان گردن حسین شمشیر می‌زنند.  
 تو چطور تحمل می‌کنی؟

(شنیدم که) تو در روز حشر آب کوثر را به گنجهکاران خواهی نوشانید  
 آیا، تو مشاهده نمی‌کنی که کودک شیرخوار از فقدان آب می‌میرد؟

(عبدالمقیت چودری، ۲۰۰۰م:ص ۹۴)

۵

اهل مدینه از رنج و اندوه و سوگ با آه و زاری می‌نالند  
 چون لبخند دل‌انگیز از دهان ماه پر نور خاموش شده است.  
 باران سوگ می‌نالد و بر سینۀ بیابان می‌بارد و موج می‌زند  
 تمام عربستان از طوفان غم اندوه غرق شده است.

امروز گلها در گلستان شکوفه نشد

بلبلها نیز گریه و زاری می‌کنند،

و آسمان از گرد و غبار کویر صحرا تاریک شده است.

گیاهان و درختان و مرغان جنگل (می‌نالند) و می‌پرسند که «حسین کجاست؟»

(فلک نیز از این سوگ و اندوه) ستارگان را (بر زمین) می‌افشاند.

(همان: ص ۹۴)

۶

گردباد سوگ و اندوه در کویر صحرا برخاسته است / جاری می‌شود

آسمان نامحدود و بی‌انتها از ناله و زاری بی‌تاب می‌شود و می‌لرزد.

چون طوفان حضرت نوح بازگشته

باران شدید از آسمان چون اشک می‌بارد.

کوه و دشت و دریا و بیابان و جنگل گریان «ای حسین! ای حسین!!» فریاد می‌زنند

حیوانات و پرندگان با گیاهان و درختان گریه و زاری می‌کنند.

فقیر و پادشاه، امیر و امرا (همه) مانند آن روزی (که حسین شهید شده بود،) امروز هم اشک

می‌ریزند و مرثیۀ آن می‌خوانند

تمام عالم تمام خواهد شد، اما جریان ریختن این اشک (هرگز تمام نخواهد شد، بلکه) از دیده‌های

زمان تا ابد خواهد ریخت.

آن رود اشک چون آبشار بهار همیشه در دل مسلمانان جهان جاری است،

آن کربلا و آن رود فرات همیشه در دل مسلمانان جهان زنده است.

تا زمانی که آسمان و زمین باقی بماند،

همگان (از یادگاری این روز سوگواری) این ناله و زاری را ادامه خواهند داد.

(همان:ص ۹۵)

۳-۴: نغمات قاضی نذرا لاسلام راجع به اهل بیت (ع)

۱

بیار همان مهر و صفای حضرت رسول خدا(ص)  
و بیار نیرو و قوت حضرت شیر خدا  
و بیار همان قربانی کربلا  
و بیار همان رحم و کرم مادرمان فاطمه (ع)...  
و بیار همان فداکاری حضرت حسن و حسین (ع)  
(و بیار) همان بیعت شهادت شهیدان...  
و بیار اسم اعظم  
(و بدان) مسلمانان مرده را جان ببخش.

(همان:ص ۵۹)

۲

گرچه در دست اسلحه نیست  
دست به دست بده و بیا با هم به جلو بریم  
اگر متحد باشیم، خود به خود قدرت ذوالفقار به دست آید  
بیار نیرو و قوت حضرت علی(ع) و فداکاری حسین(ع)....

(همان)

۳

(اگر تو عاشق اهل بیت شده باشی)  
در دل تو رود فرات جاری خواهد گردید  
و الله که هادی ما هستند، به تو درجه شهادت را عطا خواهد بخشید.

(همان:ص ۷۵)





۴

مرد: من پسر جوان مسلمان هستم، در دست من ذوالفقار حضرت علی(ع) بسته است  
زن: من دختر جوان مسلمان هستم، از نور چراغ من، ظلمت جهان را دور می‌کنم  
مرد: برای نگاه داشتن پرچم دین، من جان خودم را قربان می‌کنم  
زن: چندان پسر من (برای حفاظت دین اسلام) در بیابان کربلا شهید شدند  
من دختر مادرم، فاطمه هستم(ع)...

(همان:ص ۸۷)

## نتیجه‌گیری

قاضی نذر الاسلام نابغه‌ای شگفت‌انگیز برای ادبیات بنگالی می‌باشد او همانند ستاره‌ای دنباله‌دار در آسمان ادبیات بنگالی رخ نمود و ناپدید شد اما تأثیری که بر ادبیات بنگالی گذاشت بی‌نظیر بود و آثار جاودان وی نه تنها ادبیات بنگالی را غنی نمود بلکه بر آثار دیگران نیز پرتو و درخششی خاص بخشید و علتش این است که وی از شیفتگان شعر و ادب جاودان فارسی به ویژه حافظ و خیام بود و برخی از آثار مشهور فارسی را به نظم بنگالی برگرداند.

درباره قاضی نذر الاسلام به سخن صاحب دانشنامه ادب فارسی اکتفاء می‌کنیم: «نذر الاسلام از بزرگترین شاعران بنگالی به شمار می‌آید. او را بعد از تاگور، بزرگ‌ترین نابغه در شعر و ادبیات بنگالی دانسته‌اند. او صاحب نبوغی سرکش و سرشار از شوق و زندگی پویا بود. شعر معترض او در برابر بی‌عدالتیها و نابرابریهای اجتماعی جنبشی پدید آورده و با تلاش بر ضد اصول محافظه‌کارانه و تجلیل از اسلام تاریخی و معاصر حوزه وسیعی را دربر گرفته است. او قالب فارسی غزل را در زبان بنگالی متداول کرد و این زبان را با انبوهی از واژه‌های فارسی و عربی وارد و به توصیفات شاعرانه غنا بخشید. نذر الاسلام «بانی تحولی در ادبیات بنگالی» شد و به جای قهرمانان قدیم و افسانه‌های هند، قهرمانان مسلمان را وارد صحنه ادبیات کرد و به جای لغت سنسکریت، کلمات فارسی و عربی به کاربرد و در مدح قهرمانان عرب، ترکیه و ایران شعرها سرود. آثار و نوشته‌های وی بسیار زیاد است چنان‌که او همواره یا می‌نوشت یا با شوق مشغول تعلیم به دیگران بود. (برزگر، ۱۳۷۵ش:ص ۲۵۳۲)

از مشخصه‌های مهم آثار قاضی نذرالاسلام عشق و علاقه او به پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) بود که هنوز در بنگلادش سروده‌ها و نغمات او را از حفظ در مجالس و مناسبت‌های خاص می‌خوانند.

## منابع و مأخذ

### منابع بنگالی

۱. احمد شهاب الدین (۱۹۹۹م)، *داوری در آثار ادبی قاضی نذر الاسلام*، بنیاد اسلامی بنگلادش، داکا.
۲. \_\_\_\_\_، (۲۰۰۱م)، *مقاله نذر الاسلام*، دایرة المعارف مختصر اسلامی - عبدالحق فریدی، بنیاد اسلامی بنگلادش، داکا.
۳. احمد، وکیل و دیگران (۱۹۸۶م)، *مجموعه داستانها*، دانشگاه داکا، داکا.
۴. اسد الحق، (۱۹۹۰م)، *نذر الاسلام - خلق کننده سرودها*، مؤسسه نذر الاسلام، داکا.
۵. چودری، عبدالمقیم (۱۹۹۷م)، *نذر الاسلام اشعار اسلامی*، بنیاد اسلامی بنگلادش، داکا.
۶. \_\_\_\_\_، (۲۰۰۰م)، *نذر الاسلام ترانه‌های اسلامی*، بنیاد اسلامی بنگلادش، داکا.
۷. خان، محمد معین الدین (۱۹۹۶م)، *نذر الاسلام - خالق دوره‌ای*، انتشارات الحمرة، داکا.
۸. رفیق الاسلام (۱۹۸۲م)، *قاضی نذر الاسلام حیات و اشعار*، انتشارات برادران ملک، داکا.
۹. رفیق الاسلام و دیگران (۱۹۹۰م)، *مجموعه اشعار*، دانشگاه داکا، داکا.
۱۰. \_\_\_\_\_، (۱۹۹۳م)، *آثار ادبی قاضی نذر الاسلام (۶ جلدی)*، بنگلا آکادمی، داکا.
۱۱. شاهدی، محمد عیسی (۱۹۹۰م)، *بلبل ایران - حافظ شیرازی*، آکادمی تحقیقات و تربیت اسلامی، داکا.
۱۲. شلی، راشد الحسن، و محبوب باری (۲۰۰۵م)، *تأثیر زبان فارسی در آثار نذر الاسلام*، تریشال میمانسینگ، مؤسسه تحقیقات آثار نذر الاسلام و فرهنگ سنتی، بی‌جا.
۱۳. شیخ، اجیب الحق (۲۰۰۱م)، *زندگی و آثار نذر الاسلام*، بنیاد اسلامی بنگلادش، داکا.
۱۴. شیکدار، عبدالحی (۱۹۹۶م) *زیارتگاه شاعر چورولیا*، انتشارات الامین، داکا.
۱۵. \_\_\_\_\_، (۲۰۰۶م)، *محرم در آثار نذر الاسلام*، مؤسسه نذر الاسلام، داکا.
۱۶. عارف، حکیم (۱۹۹۷م)، *فهرست واژگان در آثار نذر الاسلام*، مؤسسه نذر الاسلام، داکا.
۱۷. منیر الزمان، محمد و دیگران (۱۹۸۷م)، *مجموعه مقالات*، دانشگاه داکا، داکا.
۱۸. نذر الاسلام، قاضی (۲۰۰۰م)، *ترجمه رباعیات عمر خیام*، کتابخانه موهون، کلکته.

۱۹. \_\_\_\_\_، (۱۹۹۸م)، *گزیده ترانه‌های نذر الاسلام*، انتشارات شاهییت توم، کلکته.
۲۰. نور الاسلام، مصطفی (۱۹۹۱م)، *نذر الاسلام - مناسبت مختلف*، مؤسسه نذر الاسلام، داکا.

#### منابع فارسی

۱. برزگر، حسین (۱۳۷۵ش)، *مقاله نذر الاسلام*، ص ۲۵۳۲-۲۵۳۳، دانشنامه ادب فارسی - حسن انوشه، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۲. شاهدی، محمد عیسی (۱۳۷۴ش)، *گزیده احوال و آثار قاضی نذر الاسلام*، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، داکا.

#### منابع لاتین :

1. Nurul Huda, Mohammad, ( 1997), *Nazrul : An evaluation*, Dhaka, Nazrul Institute.
2. \_\_\_\_\_, (2001), *Nazruls aesthetics and other aspects*, Dhaka, Nazrul Institute.
3. Nurul Huda, Mohammad, (1997), *Poetry of Kazi Nazrul Islam in English translation*, Dhaka, Nazrul Institute.
4. Mizanur Rahman, (1983), *Nazrul Islam*, Dhaka, Islamic Foundation Bangladesh.
5. Sajed Kamal, (2000), *Kazi Nazrul Islam*, Selected Works, Dhaka, Nazrul Institute.
6. Rezaul karim, Talukdar, (1994), *Nazrul*, Dhaka, Mannan.